

شناخت نامهٔ نجیب اصفهانی و نسخهٔ خطی دیوان او

عظامحمد رادمش^۱

الهام غلام کلیسانی^۲

چکیده

نجیب الدین رضا اصفهانی، شاعر قرن یازدهم و از مشایخ صوفیهٔ ذهبیه است؛ با اینکه وی در دورهٔ رواج سبک هندی یا اصفهانی می‌زیسته و صائب را مقتدای خود قرار داده اما در سرایش غزل گاه از سعدی و حافظ پیروی کرده است؛ در پاره‌ای از موارد از قصاید ناصر خسرو نیز تأثیر پذیرفته، او در سرودن مثنوی، شیوهٔ مولانا را پیش رو داشته است.

در دیوان غزلیات او - که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته - رویکرد مذهبی او و تعلقاتش به خاندان رسالت آشکار است؛ او به صنایع ادبی و صورخیال توجه داشته و کلام خود را به آرایه‌های ادبی می‌آراید. او اگرچه صوفی بوده است و آثاری در آداب سیر و سلوک و صوفیه دارد؛ اما این اندیشه در غزل‌های او کمتر نمود یافته است؛ رویکرد وی به اصطلاحات موسیقی و بازی‌ها در غزلیات وی آشکار است.

در این مقاله نخست به شناخت او و آثارش و پس از آن به معرفی نسخهٔ خطی دیوان و ارزیابی شعر وی پرداخته خواهد شد و در پیروی او از شاعران سبک خراسانی یا عراقی با ذکر شواهد، سخن به میان خواهد آمد.

کلید واژه‌ها:

نجیب اصفهانی، آثار، غزل، ذهبیه.

^۱ - استاد زبان و ادبیات فارسی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۱/۰۲

مقدمه

نجیب الدین رضا اصفهانی شاعری است شیعی که حکمت عرفای شیعی را در شعر خود وارد ساخته است. «نورالهدایه» دربارهٔ انواع معرفت، «سبع المثنائی» مثنوی بر وزن مثنوی معنوی مولوی، «دیوان اشعار»، مثنوی «خلاصه الحقایق» مشتمل بر مسائل فلسفی و عرفانی و مبانی تصوف و آداب سیر و سلوک، از آثار این عارف و شاعر می‌باشد.

نباید با آن نگاهی که به تحلیل سخن سخن‌سرایان سده‌های چهارم و پنجم تا پایان هشتم می‌پردازند، به ارزیابی و سنجش سخن در دورهٔ صفوی پرداخت. باید مقیاس فصاحت را با در نظر داشتن وضع ادبی، اجتماعی و سیاسی هر زمان سنجید. این که از هر صنف، شاعران ممتازی در این عصر ظهور کرده‌اند، نکته‌ای نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت؛ چه این که شعر سده‌های پیشین را قشر خاصی که وابستهٔ دربار بوده‌اند، سروده‌اند.

«با اینکه برخی از محققین رابطهٔ خوشی با ادبیات دورهٔ صفوی ندارند و شاید اساساً ارزشی برای آن قائل نباشند، جای شبهه نیست که از نظر تازگی و غرابتی که اشعار این دوره دارد، به کلی از آثار ادبی ادوار دیگر متمایز است... لطف‌علی بیک آذر در آتشکده و رضاقلی خان هدایت در مجمع الفصحا هر جا ذکری از شعرای دورهٔ صفویه رفته است، به اجمالی هر چه تمام‌تر برگزار کرده‌اند» (مؤتمن، ۱۳۳۹: ۳۴۵ - ۳۴۴). اما به هر حال دور از هرگونه تعصب، شعر این دوره حلقه‌ای است از زنجیرهٔ ادبی از نخستین روزهای شعر پارسی تا کنون.

«همهٔ کسانی که به انحطاط شعر و فساد و تباهی مطلق سخن در عهد صفوی فتوی داده‌اند، چنین می‌کنند. قدم‌های اندیشه را به تفاوت میان یکی از سده‌های چهارم و پنجم و هشتم می‌نهند و در سخن شاعران عهد صفوی همان نحوهٔ تفکر و بیان را توقع می‌نمایند که در سخن عنصری و فرخی و فردوسی تا سعدی و حافظ دیده می‌شود. شعر دوران صفوی مانند هنر آن عهد دنبال وضع و حالتی حرکت می‌کرد که در اواخر سدهٔ نهم بود؛ یعنی به طرف نکته‌سنجی، مضمون‌آفرینی، خیال‌پروری و سادگی زبان» (صفا، ۱۳۷۲: ۵۲۲ - ۵۲۱).

انقلاب اجتماعی دیگری که باعث تغییر سبک شد، حکومت سلسلهٔ صفوی است که جهان بینی مذهبی شیعی داشتند. تغییر مذهب و رواج شیعی‌گری، از عوامل مهم در تغییر تفکر و بیان، و نهایتاً سبک ادبی است. این نکته بدین معنا نیست که ادبیات در دورهٔ صفوی صرفاً جنبهٔ

مذهبی داشته؛ بلکه روابط علت و معلولی در مسائل اجتماعی و فرهنگی پیچیده غالباً غیر مستقیم است (رک: شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۸۴). در این زمان، غزل‌سرایی عرفانی به تقلید شاعرانِ عارف‌مسلك گذشته و اشعار عرفانی شاعرانِ پیشین مانند سنایی و مولوی و سعدی و حافظ، ادامه دارد.

به همین خاطر است که در شعر این دوره مشایخی را می‌شناسیم که در سخن‌سرایی دستی دارند و شهرتی؛ شاعرانی مانند: ملامحسن فیض، میرزا جمال خوانساری، هاشمی کرمانی، ضمیری اصفهانی و میرزا نجیب‌الدین رضا اصفهانی از آن جمله‌اند.

میرزا نجیب‌الدین رضا که با نام زرگر اصفهانی^۱ نیز اشتهار دارد، از مشایخ صوفیه ذهبیه در قرن یازدهم و دوازدهم است (عبرت نائینی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۶۸) که در این نوع ادبی نیز طبع آزمایی کرده است. وی در سال ۱۰۴۷ در اصفهان به دنیا آمد (خاوری، ۱۳۶۲: ۲۸۲) در اصفهان با شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی - از بزرگان عرفا - ملاقات کرد و به همراه او به مشهد رفت (همان). در سال ۱۰۷۸ به همراه استاد به اصفهان بازگشت و بعدها خلیفه و داماد او گشت. (تمیم‌داری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۴۱)

از آنجایی که در برخی تذکره‌ها و کتب تاریخی - ادبی^۲ نجیب اصفهانی را زرگر اصفهانی نیز معرفی کرده‌اند؛ نباید این شخص را با زرگر اصفهانی شاعر سده سیزدهم اشتباه گرفت. احمد کرمی در مقدمه دیوان زرگر می‌نویسد: «آقا محمدحسن زرگر اصفهانی از غزل‌سرایان اواسط قرن سیزدهم هجری است که درگذشت وی را به سال ۱۲۷۰ هجری قمری یاد کرده‌اند.» (زرگر اصفهانی، ۱۳۶۲: ۸ - ۷)

دیوان شاعر مذکور، زرگر اصفهانی، در سال ۱۳۶۲ به تصحیح احمد کرمی توسط انتشارات ما منتشر شده است.

بحث

چنان که در مقدمه نیز بیان گشت، نقش مذهب در سبک ادبی این دوره بسیار پررنگ است. بسیاری مشایخ از شاعران این دوره‌اند. میرزا نجیب‌الدین رضا نیز از همین مشایخ است. شیخ او محمدعلی مؤذن خراسانی نیز در سخن‌سرایی دستی داشته است. مؤلف ریحانه‌الادب می‌نویسد: «شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی از مشاهیر عرفا و فضلالی عهد شاه عباس ثانی صفوی [بود] که طریقت ذهبیه را می‌پیموده بلکه سلسله عرفای ذهبیه بدو منتهی است. از اشعار اوست:

عارف اسرار یار، می‌شود آن شیر مرد کز سخن نیک و بد، گشت به عالم خموش»

(تبریزی، ۱۳۳۱؛ ج ۶: ۲۳)

در ریاض العارفین آمده است: «اسمش شیخ محمدعلی، از اکابر فضلا و اماجد عرفاست. شیخ شیخ‌نجیب‌الدین رضا و مرید جناب شیخ حاتم از مشایخ علیه ذهبیه کبرویه است. با شاه عباس صفوی، معاصر و رساله تحفه‌العباسیه را به نام وی نوشته. از اوست:

مگو که موج دریا و بحر غیر هم‌اند که موج چون بنشیند بگویی دریا»

(هدایت، ۱۳۸۸: ۲۶۸)^۳

ذهبیه سلسله‌ای است از اهل تصوف که به اینان کبرویه نیز گفته می‌شود و مخالفان آنان را به نام ذهبیه اغتشاشیه نیز می‌شناسند. در مورد وجه تسمیه آن گفته‌اند که به لحاظ علم کیمیاگری^۴ دانستن رؤسای این فرقه آن را ذهبیه نامیده‌اند و می‌گویند رؤسای این فرقه، سالک را مانند طلای بی‌غش می‌نمایند و تا به این رتبه نرسد، اجازه دستگیری به او نمی‌دهند. وجه دیگر آنکه در این فرقه سنی وجود نداشته و مشایخ اولیای آنها امامی مذهب بوده‌اند.^۵ (خاوری، ۱۳۶۲: ۲۰)

«نجیب اصفهانی در سال ۱۰۴۷ در اصفهان به دنیا آمد.» (تربیت، ۱۳۷۸: ۵۳۵) «از اماجد مجذوبین و اکابر محبوبین بود و پس از جذب به سلوک رجوع کرده.» (هدایت، ۱۳۸۸: ۱۴۹) وی دست‌ارادت به شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی داده و عاقبت خودش نیز از مشایخ آن سلسله شد و به نام‌های رضا [و] جوهری، تخلص می‌نموده^۶ و خلاصه الحقایق و دیوان غزلیات و سبع‌المثنائی از آثار او بوده.» (تبریزی، ۱۳۲۸: ۱۲۳) معصوم‌علی‌شاه در ذکر شیخ محمدعلی مؤذن می‌نویسد: «خلیفه وی نجیب‌الدین رضاست که ترجمه‌اش بیاید.» (معصوم‌علی‌شاه، بی‌تا،

ج ۳: ۱۶۵) در ادامه آمده است: «سیدرضا مردی بزرگوار است و کتاب سبع‌المثانی از اوست و نجیب‌الدین را در ریاض‌العارفین به عنوان زرگر اصفهانی آورده و ترجمه نموده است. وفاتش در سال یک‌صد و هشتاد و پنج نوشته و مخفی نیست که غیر از زرگر اصفهانی است که نامش محمدحسن است. وفات وی را در مجمع‌الفصحا سال هزار و دویست و هفتاد نوشته است. خلاصه نجیب‌الدین را تعریف همین بس که مرحوم مظفرعلی شاه در کتاب مثنوی بحرالاسرار او را ستوده است و بعضی از آن ابیات آورده می‌شود:

صبح یوم التبت شوال الکریم	عارض مشتاق سلطان عظیم
طلعتی فرخنده چون ماه تمام	چشم جان را جلوه‌گر شد در منام
قصه سبع‌المثانی مثنوی	از کلام شه نجیب معنوی
شه نجیب‌الدین رضاشاه ولی	مرشد راه رضا، سلطان علی»
	(همان: ۲۱۶)

ترجمان احوال شیخ نجیب در کتاب رجال و مشاهیر اصفهان تألیف میرسید علی جناب، هم‌چون ریاض‌العارفین ذیل نام زرگر اصفهانی مرقوم گشته و بدون ذکر هیچ منبعی، عیناً متن ریاض‌العارفین آمده است. قابل ذکر اینکه مصحح چاپ اخیر از رجال و مشاهیر هم هیچ اشاره‌ای به این نکته نکرده است. (ر.ک: جناب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۷۳) نجیب اصفهانی در شرح احوال خود، خویش را امی معرفی کرده (ر.ک: تمیم‌داری، ۱۳۷۲: ۳۴۰) و بر همین اساس است که شرح حال نویسان مانند هدایت در ریاض‌العارفین و مدرّس تبریزی در ریحانه‌الادب و آقابزرگ طهرانی در الذریعه او را بی‌سواد دانسته‌اند. اما آنچه از آثار او پیداست، جز این به نظر می‌رسد. درگذشت نجیب اصفهانی را به سال ۱۰۸۰ (هدایت، ۱۳۸۸: ۱۴۹) ۱۰۸۵ (معصوم‌علی‌شاه، بی‌تا، ج ۳: ۲۱۶) (خاوری، ۱۳۶۲: ۲۸۹) و ۱۱۰۸ (تمیم‌داری، ۱۳۷۲: ۳۴۰) بیان کرده‌اند. مرحوم مصلح‌الدین مهدوی وفات او را هم سال ۱۰۸۰ و هم ۱۰۷۵ ذکر کرده است (مهدوی، ۱۳۴۸: ۳۲۶) (مهدوی، ۱۳۸۸: ۶۱۷). اگر تاریخ نگارش آثار او را - چنانکه در ادامه بدان خواهیم پرداخت - صحیح بدانیم، تاریخ ۱۱۰۸ برای وفات صحیح‌تر می‌نماید. مزار وی در بقعه میرزا رفیعا در اصفهان است. صاحب تذکره‌القبور می‌نویسد: «قبرش در قسمت شمالی آب انباری که فعلاً جزو اراضی فرودگاه است قرار داشت و تا این اواخر موجود بود و نگارنده [= مهدوی] آن را دیده بود». (مهدوی، ۱۳۴۸: ۳۲۶)

آثار نجیب

- ۱- نورالهدایه؛ «کتاب مستطاب نورالهدایه از تصنیفات عارف کامل و فاضل واصل شیخ نجیب الدین رضا تبریزی - قدس سره - معاصر شاه سلیمان صفوی» در سال ۱۳۶۵ (= ۱۳۲۵ خورشیدی) در چاپخانه علمی به چاپ رسیده است. موضوع کتاب در تصوّف و انواع معرفت است. نویسنده به بیان اصول دین و اصطلاحات صوفیه می پردازد. سال تألیف این کتاب را ۱۰۸۷ نگاشته اند. (تمیم داری، ۱۳۷۲: ۳۴۲)
- ۲- سبع المثانی؛ منظومه ای است عرفانی به فارسی بر وزن مثنوی معنوی مولوی که آن را در سال ۱۰۹۴ سروده و مشتمل بر بیست هزار بیت است. وی این کتاب را به عنوان مجلد هفتم مثنوی جلال الدین مولوی سروده و تاریخ سرودن آن سال ۱۰۹۴ نگاشته شده است. نویسنده دلیل نوشتن این کتاب را بشارتی که بر نگارش جلد هفتم مثنوی در زمان سلوک به او داده بودند، دانسته است. نجیب الدین در این کتاب آگاهی هایی درباره ضدیّت با تصوّف در دوره شاه عباس دوم، در سفر مشهد و اصفهان به دست داده است. در برخی حکایت ها که به صورت نظم آورده است، وقت تغییر دولت صفوی را بیان کرده و در واقع نوعی پیش گویی برای سقوط این دولت است (جعفریان، ۱۳۷۹: ۵۳۳). این کتاب در سال ۱۳۴۲ق در مطبعه سعادت شیراز به صورت چاپ سنگی به همراه رساله های تحفه عباسی، دیوان شیخ عطار، رساله نوریخشیه و رساله در معرفت در هاشم کتاب به چاپ رسیده است. بار دیگر سبع المثانی توسط خانقاه احمدی (تهران) در سال ۱۳۶۰ منتشر شده است.^۷
- ۳- خلاصه الحقایق؛ مثنوی است در آداب سیر و سلوک و تصوّف. این اثر در سال ۱۳۲۸ توسط میرزا احمد اردبیلی در ضمن کفایه المؤمنین و اوصاف المقرّبین به چاپ رسیده است.
- ۴- دستور سلیمان؛ دستور سلیمان رساله ای است در اصطلاحات صوفیان که نسخه خطی آن در دانشگاه تهران موجود است (ر.ک: منزوی، ۱۳۵۳: ۱۰۳۸). به غیر از تذکره القبور (مهدوی، ۱۳۴۸: ۳۲۷)، عرفان و ادب در عصر صوفیه (تمیم داری،

۱۳۷۲ : ۳۴۲) و سبک‌شناسی نثر (شمیسا، ۱۳۸۶ : ۲۳۲) دیگران به این اثر نجیب اشاره‌ای نکرده‌اند.

۵- دیوان غزلیات؛ نسخه خطی دیوان منحصر به فرد غزلیات نجیب اصفهانی با شماره ۳۹۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. این نسخه شامل ۱۴۰ برگ، ۱۴ سطری و قریب به ۲۰۰۰ بیت است. این نسخه فاقد تاریخ کتابت است. علاوه بر این مدرّس تبریزی و تمیم‌داری دیوان اشعار وی را که - مشتمل بر غزل و قصیده و ترجیع و مراثی است - برشمرده‌اند؛ اما از نسخه موجود آن اطلاعی به دست نداده‌اند. (مدرّس تبریزی، ۱۳۲۸، ج ۲ : ۳۷۵)، (تمیم‌داری، ۱۳۷۲ : ۳۴۲)

شعر نجیب

اقبال و هنر نجیب اصفهانی در مثنوی‌سرایی بیش از غزل‌سرایی است؛ زیرا در آنجا مفهومی را بیان می‌دارد ولی در غزل‌سرایی بر سر موضوع‌های تکراری پیش گفته شده شاعران سده‌های پیشین، دور می‌زند. سبک شعری او را بهتر است به حکم زمان او سبک هندی یا اصفهانی دانست. چنانکه ابیاتی با سیاق سبک هندی که ویژگی‌های «تناسب»، «تمثیل»، «مصراع برجسته»، «اسلوب معادله» و ... در آن مشهود باشد، در دیوان او یافت می‌شود.

خدا کند که بر آید ز سینه دل بیرون که بسته راه نفس دود این کباب مرا
(غ ۱۲، ب ۴)^۱

از کشمکش ناله دل چرخ شود نرم پیروز کند حرکت خمیازه کمان را
(غ ۲۴، ب ۲)

تلمیح:

چندین عبث به پنجه زورین خود مناز سنگی شکست شوکت اصحاب فیل را
(غ ۱۵، ب ۲)

ایهام تبادر:

نفس تازه کن هر دم از ذکر جانان که توحید دانه‌است مرغ زبان را
(غ ۵۷، ب ۷)

تشبیه:

در محفل خیال تو از شام تا سحر
مانند شمع سوخته بند قبای ما
(غ ۱۱، ب ۶)

واج آرایی و تضاد:

هنوز شاهد مشرب نبسته بود مگر
که خندهٔ نمکین بود با شراب مرا
(غ ۱۲، ب ۵)

استعاره:

دیده‌ام را شعلهٔ رخسار گندم‌گونه‌ای است
می‌تواند سیر کرد از خود لبِ پیمانه را
(غ ۱۷، ب ۵)

در شعر، بسیار به حافظ و مولانا نظر داشته و اشعاری به استقبال متقدمان دیگر نیز سروده است. به عنوان مثال می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

– استقبال از سعدی:

سعدی:

ز حد بگذشت مشتاقی و صبراندر غمت یارا^۹
به وصل خود دوایی کن دل دیوانهٔ ما را
(سعدی، ۱۳۹۰: ۳۰۶)

نجیب:

به زاهد چند می‌گویی حدیث جام و صهبا را
نمی‌دانی که صحبت درنگیرد سنگ و مینا را
(غ ۲۰، ب ۱)

– استقبال از حافظ:

حافظ:

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیرما
چیست یاران طریقت بعد از این تدبیرما
(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۶)

نجیب:

بر سر راه هدف هرگز نگیرد تیرما چند از مطلب بماند آه بی تاثیر ما

(ع ۱۷، ب ۱)

علاوه بر همسانی وزن و قافیه و ردیف، نجیب در مضمون نیز به شعر متقدمان نظر دارد:

حافظ:

در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد ازل گفت بگو، می‌گویم

(حافظ، ۱۳۶۲: ۷۶۲)

نجیب:

بی تربیت عقل سخن زور ندارد طوطی ز رخ آینه دانست زبان را

(ع ۲۴، ب ۱۱)

مولوی:

مر مرا تقلیدشسان بر باد داد که دو صد لعنت بر آن تقلید باد

(مولونا، ۱۳۶۹: ۵۶۳/۲)

نجیب:

چراغ اهل عالم جمله بر تقلید می‌سوزد ز روی یکدیگر نوشتند مردم جام غفلت را

(ع ۲۱، ب ۷)

در آثار او اشعاری با قافیه و ردیفی همسان با اشعار صائب دیده می‌شود که یا استقبال هر دو شاعر، از شاعران متقدم است، یا پیروی این دو از یکدیگر؛ از آنجایی که استادی صائب بر نجیب مسلّم است، باید نجیب را پیرو صائب دانست. این پیروی در نمونه‌های زیر کاملاً آشکار است:

صائب:

دل مقید به شکر زار هوس نیست مرا
رشته حرص به پا همچو مگس نیست مرا
(صائب، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۵۷)

نجیب:

تاب هم صحبتی مرغ قفس نیست مرا
چون هوا میل به بام همه کس نیست مرا
(غ ۴، ب ۱)

صائب:

از بس گرفت تنگی دل در میان مرا
در کام هم چو غنچه نگردد زبان مرا
(صائب، ۱۳۸۷: ج ۱، ۳۵۳)

نجیب:

از نان خلق دامن دل شد گران مرا
بیمار کرد صحبت این استخوان مرا
(غ ۵، ب ۱)

که هردو غزل با اختلاف قافیه، ولی با حفظ وزن و ردیف، شبیه به قصیده معروف ناصر خسرو است:

آزرده کرد کژدم غربت جگر مرا
گویی زبون نیافت ز گیتی مگر مرا
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۱۱)

موسیقی شعر

نجیب در استفاده از بحور شعری، از بحور بسیار رایج شعر پارسی استفاده کرده است. او در استفاده از آرایه‌های بدیعی، شاعری میانه‌رو است. غزل‌های او بیشتر مردّفند و این نکته نوعی تمرکز به شعر وی بخشیده است. البته این نکته باعث تکرار معانی یکسان در آثار اوست. در اکثر غزل‌ها تکرار قافیه دارد که از آن میان می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد.

تکرار قافیه:

بلبل بی طالع من دور را گم می‌کند
باغبان در گل اگر گیرد لب پیمانہ را
می‌کند خورشید آخراجم خود راصرف من
طاقت خوردن ندارد شب‌نم این پیمانہ را
(غ ۵، ب ۳ و ۶)
می‌کند خورشید اول دست و پا ویرانه را
آشنای من دهد می مردم بیگانه را

دل به خلوتگاه حسن لاله گونرنگی نداشت / زود بالین می کند خورشید و مه ویرانه را

(غ، ۵، ب ۱ و ۸)

در برخی موارد در دیوان او غزل‌های قطعه گونه دیده می‌شود که اگر ثبت آن را از سهو کاتب نگیریم، آن را می‌توان از زمره گریز شاعر از قالب‌های شعری دانست.

بی یاری لعل قبا را چه شب مرا (؟) / چو سایه خاک نشین کرد آفتاب مرا

چنان ز نقش تعلق کشیده‌ام خود را / که سایه رم کند از خیمه حباب مرا

(غ، ۱۲، ب ۱)

در این جا نخست، مصوت کوتاه پیش از حرف روی (توجیه) آمده و در مصراع بعدی و دیگر مصراع‌های زوج مصوت بلند پیش از حرف روی (ردف) قرار گرفته است.

نقش مذهب در شعر نجیب

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، مذهب در شعر این دوره بسیار نمود پیدا می‌کند. نجیب اصفهانی از شاعران متشرع این دوران است؛ او از مشایخ سلسله ذهبیه است اما اندیشه‌های فرقه‌ای در غزلیاتش نمودی نیافته است. از قصاید او در منقبت اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

در مدح حضرت علی (ع):

هرگز نبود جامه ما بار آسمان / ویرانه احتیاج ندارد به سایه بان

نور جبین شمع خرد مرتضی علی / شمشیر حق ولی خدا، شاه انس و جان

(قصیده ۳، ب ۱ و ۲۴)

در مدح امام جعفر صادق (ع):

گر یار خواهد از دل آوارگان چراغ / هر لحظه شمع می شوم و هر زمان چراغ

هرموی زان چو شمع نسازم که رسم نیست / بردن به سوی قبله روحانیان چراغ

یعنی امام جعفر صادق که رای او / پیدا کند ز خانه آینه‌دان چراغ

(قصیده ۱۰، ب ۱ و ۲۰ و ۲۱)

در مدح امام رضا (ع):

دست هر کس که در میان باشد زیر دست خدایگان باشد
قبضه تیغ حق امام رضا کز کفش دهر در امان باشد
(قصیده ۴، ب ۱ و ۲)

چنان که پیش از این بیان شد نجیب اصفهانی، مثنوی عرفانی به شیوه مثنوی معنوی و آثاری در آداب سیر و سلوک و تصوف و اصطلاحات صوفیان دارد. اما در غزل‌های او کمتر نقشی از عرفان و بیان اصطلاحات عرفانی می‌یابیم؛ گویا قالب غزل را مناسب بیان این احوال ندانسته است.

شاعر در برخی موارد به اصطلاحات نرد و موسیقی اشاره می‌کند. نکته قابل توجه اینکه در استفاده از این مصطلحات هم پیرو شاعران گذشته بوده است.

اصطلاح نرد و قمار:

از روزگار نرد عقب کس نمی‌برد دائم چومهره خصل مرادم به ششدر است
(قطعه ۱، ب ۲۶)
فلک بسته بر من در شش جهت را چو نردی که در راه ششدر نشیند
(قصیده ۵، ب ۴۹)
تا به خرج خود کند مجری ز تو هر شاخه گل همچو برگ گنجفه دارد به خود شاه و وزیر
(ترکیب بند سوم)

اصطلاحات موسیقی:

شوق مضراب شناسد رگ آسایش را نغمه در پرده صد تار نماید خود را
(غ ۵۱، ب ۳)
کوه و صحرا از صغیر عشق بی‌آهنگ نیست دارد این قانون مگر از پرده دل تارها
(غ ۸، ب ۶)
از بس که پشت چنگ غم از توشده است راست با صد ستم فغان نکند سینه رباب
(قصیده ۱، بیت ۱۵)

نتیجه گیری

در این مقاله به معرفی و بررسی آثار و شعر نجیب الدین رضا اصفهانی شاعر و صوفی قرن یازدهم پرداختیم. نور الهدایه، سبع المثانی، خلاصه الحقایق، دستور سلیمان و دیوان غزلیات از آثار اوست.

شعر نجیب به حکم زمان او، سبک هندی یا اصفهانی است اما وی به شعر شاعران متقدم بسیار نظر داشته و اشعاری به استقبال ایشان سروده است. نجیب اصفهانی اشعاری هم وزن و قافیه با اشعار صائب دارد. او در جای جای اثر خود از اصطلاحات موسیقی و نرد و دیگر بازی‌ها همچنین آرایه‌های ادبی استفاده کرده است.

دیوان نجیب الدین رضا اصفهانی تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است.

Archive of SID

یادداشت‌ها:

۱. اشتهار او را به زرگر، رضاقلی خان هدایت در ریاض العارفین متذکر شده است و ذیل نام او به شرح احوالش پرداخته است. نگارنده در هیچ جای آثار او قرینه‌ای برای این شهرت نیافته و بر این گمان است که شاید این شهرت پس از دوران هدایت (از آن جهت که شاعر دیگری با این تخلص داریم و هدایت در مجمع الفصحی به شرح احوال او پرداخته) برای میرزا نجیب‌الدین رضا رقم خورده باشد. به همین خاطر منشأ این تخلیط را ریاض العارفین هدایت می‌داند.
۲. برای اطلاع بیشتر رک. ریاض العارفین (هدایت، ۱۳۱۶: ۱۲۳)، ریحانه‌الادب (تبریزی، ۱۳۲۸: ج ۴، ۱۲۲)، رجال و مشاهیر اصفهان (جناب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۵۴)، تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان (مهدوی، ۱۳۸۴: ۳۲۶).
۳. نیز رک. الذریعه ج ۳، ص ۴۵۲ و هم‌چنین: طرائق الحقایق ج ۳ ص ۱۶۵ و هم‌چنین: فرهنگ سخنوران ص ۵۷۶.
۴. شاید به همین خاطر است که شیخ نجیب‌الدین رضا را زرگر گفته‌اند. «در اینجا به یاد جمال‌الدین عبدالرزاق می‌افتم که او را گاهی جمال نقاش نوشته‌اند و در بعضی از تذکرها از زرگری و زرنگاری او سخن گفته‌اند.» (خلیل شروانی، ۱۳۶۵: ۵۷)
۵. در منظومه مظهرالعجایب منسوب به عطار آمده است: داشت او یک سلسله کانرا ذهب / خاص اهل البیت گویند ای عجب (عطار، ۱۳۸۶: ۴۸)
۶. چنانکه نگارنده در آثار او تتبع کرده، وی هرآنجایی که از تخلص استفاده کرده، نام نجیب را برگزیده است.
۷. در این باره مقاله‌ای داوود چوگانیان در مجله ادبیات فارسی دانشگاه مشهد، پاییز ۸۷، شماره ۱۹ دارد.
۸. در ارجاع‌ها به نسخه خطی دیوان نجیب، نخست شماره غزل با کتبه نوشت (غ)، سپس شماره بیت با کتبه نوشت (ب) آمده است.
۹. این قافیه را از قبیل قافیه معمولی یا معموله - که از عیوب غیر ملقبه است - دانسته است. (رک: شاه حسینی ۱۳۸۶: ۱۸۲ و نجفقلی میرزا، ۱۳۵۵: ۱۷-۱۶). چه از «ر» در «یار» و «ر» در ردیف «را» به صورت مشترک استفاده شده.

منابع و مأخذ

- ۱- آذر، لطف‌علی بیک، (۱۳۴۶)، آتشکده، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
- ۲- آقابزرگ طهرانی، (۱۴۰۸ق)، الذریعه، قم، اسماعیلیان.
- ۳- تبریزی، محمدعلی، (۱۳۲۸)، ریحانه الادب، تهران، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب.
- ۴- تربیت، محمدعلی، (۱۳۷۸)، دانشمندان آذربایجان، چاپ غلامرضا طباطبایی مجد.
- ۵- تمیم‌داری، احمد، (۱۳۷۲)، عرفان و ادب عصر صفویه، تهران، حکمت.
- ۶- جناب اصفهانی، سیدعلی، (۱۳۸۵)، رجال و مشاهیر اصفهان، تصحیح رضوان پورعصار، اصفهان، مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- ۷- جعفریان، رسول، (۱۳۷۹)، صفویه در عصر دین، فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۸- جمال خلیل شروانی، (۱۳۶۵)، نزهه المجالس، تصحیح، دکتر محمد امین ریاحی، تهران، زوار
- ۹- حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۶۲)، دیوان حافظ، تصحیح دکتر پرویز ناتل خانلری، تهران، خوارزمی.
- ۱۰- خاوری، اسدالله، (۱۳۶۲)، ذهبیه، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۱- خیام‌پور، عبدالرسول، (۱۳۴۸)، فرهنگ سخنوران، تهران، طلایه.
- ۱۲- زرگر اصفهانی، (۱۳۶۲)، دیوان زرگر اصفهانی، تصحیح احمد کرمی، تهران، ما.
- ۱۳- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۹۰)، کلیات سعدی، تصحیح و تدقیق حسن انوری، تهران، قطره.
- ۱۴- شاه حسینی، ناصرالدین، (۱۳۶۸)، شناخت شعر، تهران، هما.
- ۱۵- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی شعر، تهران، فردوس.
- ۱۶- _____، (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی نثر، تهران، میترا.
- ۱۷- صائب تبریزی، میرزا محمدعلی، (۱۳۸۷)، دیوان صائب، به کوشش محمد قهرمان، تهران، علمی - فرهنگی.
- ۱۸- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، تهران، فردوس.
- ۱۹- عبرت نائینی، جلال، (۱۳۷۶)، مدینه‌الادب، چاپ عکسی نسخه خطی، تهران، مجلس شورای اسلامی.

- ۲۰- عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۸۶)، مظهرالعجایب (منسوب به عطار)، تهران، پازینه.
- ۲۱- مؤتمن، زین العابدین، (۱۳۵۲)، تحوّل شعر فارسی، تهران، کتابخانه طهوری.
- ۲۲- معصوم علی شاه، (بی تا)، طرائق الحقایق، تصحیح دکتر محمدجعفر محجوب، تهران.
- ۲۳- منزوی، احمد، (۱۳۵۳)، فهرست نسخهء خطی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۴- مولونا، جلال الدین محمد، (۱۳۶۹)، مثنوی معنوی، دفتر دوم، تصحیح رینولد آین نیکلسون، تهران، مولی.
- ۲۵- مهدوی، مصلح الدین، (۱۳۴۸)، تذکره القبور، اصفهان، ثقفی.
- ۲۶- _____، (۱۳۸۸)، دانشمندان و بزرگان اصفهان، تحقیق و تصحیح و اضافات، رحیم قاسمی، محمدرضا نیلفروشان، اصفهان، گلدسته.
- ۲۷- ناصر خسرو، ابومعین، (۱۳۷۰)، دیوان ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۸- نجفقلی میرزا (آقا سردار)، (۱۳۵۵)، درّهء نجفی، تصحیح و تعلیقات حسین آهی، تهران، کتابفروشی فروغی.
- ۲۹- نجیب اصفهانی، رضا، (بی تا)، دیوان غزلیات، نسخهء خطی، کتابخانهء مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۹۰.
- ۳۰- _____، (۱۳۲۵)، نورالهدایه، تهران، چاپخانه علمی.
- ۳۱- _____، (۱۳۴۲ق)، شیراز، مطبعه سعادت.
- ۳۲- _____، (۱۳۶۰)، سبع المثنائی، تهران، خانقاه احمدی.
- ۳۳- _____، (۱۳۲۸)، خلاصه الحقایق، توسط میرزا احمد اردبیلی.
- ۳۴- هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۱۶)، ریاض العارفین، تهران، کتابخانه مهدیه طهران.
- ۳۵- _____، (۱۳۸۸)، ریاض العارفین، تصحیح ابوالقاسم رادفر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۳۶- _____، (بی تا)، مجمع الفصحا، تهران، چاپ سنگی.